

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary - Cultural

ادبی - فرهنگی

نورالله وثوق
۲۱-۱۲-۱۳۸۷

دور سیاهی

هوای آلوده

دو چشم بـا غ بالا تار گشته
هـوای شهر گل بیمار گشته
ز بس بار فضای ما سیاسی است
و طـنـن آلوده ادبار گشته

بخاران خویش را

نه می خیزد ازین گلشن بخاری
به جای گل نروید غیر خاری
دلا فکری به حال خویشان کن
بخاران خویش را تاکی به خواری

چین واره

بنازم چشم مست را وطندار
به پا کردی برای دیده ها دار
به رستوران فکرت رونهادیم
چین واره بجان مازدی یار

کوچه گرداب

مقیم خانـه گرداب گشتیم
میان موجـه غم خواب گشتیم
فرو رفتیم آن سان در لجنزار
که درجا از خجالت آب گشتیم

خاطر پرواز

الف بودیم و مثل دال گشتیم
بزیر بار دل پــامال گشتیم
ولی در خاطر پرواز ماندیم
اگرچه بی پر و بی بال گشتیم

چشم دید

به جز از لاله هردم شهیدی
نمی روید ازین گلشن امیدی
چه گلهایی که اینجا گشته پرپر
اگر باشد به نرگس چشم دیدی

رنگ روییدن

اگر ما تشنه فصل سپیدیم
چرا دور سیاهی ها تنیدیم
چرا از چشم گلشن رو گرفتیم
چرا از رنگ روییدن رمیدیم

دلها ی شکسته

بهار آمد ولی دلها شکسته
در شادی بروی خلق بسته
به زنجیر اسارت می کشانند
جوانان چو گل را دسته دسته

آتش گرفته ها

در و دشت وطن آتش گرفته
بهار این چمن آتش گرفته
زهر سویی صدای ناله جاریست
نگاه مرد و زن آتش گرفته

خار نگاه

بهاران پای در زنجیر کرده
جنونش را چه خوش تفسیر کرده
مگر خار نگاه ناز اویم
که ما را از سر خود تیر کرده

موج سراب

کـویر بی سر و بی پاست اینجا
بهار و باغ بی معناست اینجا
دو چشم تشنه موج سـرابی است
که نام دیگـرش دریاست اینجا

دانه مهر

مپنداری هـوادار بهاریم
خزان را میزبان این دیاریم
به غیر تخم نفرت باغ دل را
ندیدم دانه مهری بکاریم